

تعلیم عیسی درباره طلاق

¹ و از آنجا برخاسته، از آن طرف اُردُن به نواحی یهودیه آمد. و گروهی باز نزد وی جمع شدند و او برحسب عادت خود، باز بدیشان تعلیم می‌داد. ² آنگاه فریسیان پیش آمده، از روی امتحان از او سؤال نمودند که: آیا مرد را طلاق دادن زن خویش جایز است؟ ³ در جواب ایشان گفت: موسی شما را چه فرموده است؟ ⁴ گفتند: موسی اجازه داد که طلاق نامه بنویسند و رها کنند. ⁵ عیسی در جواب ایشان گفت: به سبب سنگدلی شما این حکم را برای شما نوشت. ⁶ لیکن از ابتدای خلقت، خدا ایشان را مرد و زن آفرید. ⁷ از آن جهت باید مرد پدر و مادر خود را ترک کرده، با زن خویش بیوندد، ⁸ و این دو یک تن خواهند بود چنانکه از آن پس دو نیستند بلکه یک جسد. ⁹ پس آنچه خدا پیوست، انسان آن را جدا نکند. ¹⁰ و در خانه باز شاگردانش از این مقدمه از وی سؤال نمودند. ¹¹ بدیشان گفت: هر که زن خود را طلاق دهد و دیگری را نکاح کند، بر حق وی زنا کرده باشد. ¹² و اگر زن از شوهر خود جدا شود و منکوحه دیگری گردد، مرتکب زنا شود.

عیسی کودکان را برکت می‌دهد

¹³ و بچه‌های کوچک را نزد او آوردند تا ایشان را لمس نماید؛ اما شاگردان آوردگان را منع کردند. ¹⁴ چون عیسی این را بدید، خشم نموده، بدیشان گفت: بگذارید که بچه‌های کوچک نزد من آیند و ایشان را مانع نشوید، زیرا ملکوت خدا از امثال اینها است. ¹⁵ به شما می‌گویم، هر که ملکوت خدا را مثل بچه کوچک قبول نکند، داخل آن نشود. ¹⁶ پس ایشان را در آغوش کشید و دست بر ایشان نهاد، برکت داد.

جوان ثروتمند

¹⁷ چون به راه می‌رفت، شخصی دواندوان آمده، پیش او زانو زده، سؤال نمود که: ای استاد نیکو، چه کنم تا وارث حیات جاودانی شوم؟ ¹⁸ عیسی بدو گفت: چرا مرا نیکو گفتی و حال آنکه کسی نیکو نیست جز خدا فقط؟ ¹⁹ احکام را می‌دانی: زنا مکن، قتل مکن، دزدی مکن، شهادت دروغ مده، دغابازی مکن، پدر و مادر خود را حرمت دار. ²⁰ او در جواب وی گفت: ای استاد، این همه را از طفولیت نگاه داشتم. ²¹ عیسی به وی نگریسته، او را محبت نمود و گفت: تو را یک چیز

یسوع یحدّد الزواج

¹ وَقَامَ مِنْ هُنَاكَ وَجَاءَ إِلَى ثُحُومِ الْيَهُودِيَّةِ مِنْ غَيْرِ الْأَرْدُنِّ، فَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ جُمُوعٌ أَيْضًا وَكَعَادَتِهِ كَانَ أَيْضًا يُعَلِّمُهُمْ. ² فَتَقَدَّمَ الْقَرَسِيُّونَ وَسَأَلُوهُ: هَلْ يَحِلُّ لِلرَّجُلِ أَنْ يُطْلَقَ امْرَأَتُهُ؟ لِيَجْزِيَهُ. ³ فَأَجَابَ وَقَالَ: يَمَّاذَا أَوْضَاكُمُ مُوسَى؟ ⁴ فَقَالُوا: مُوسَى أَذِنَ أَنْ يُكْتَبَ كِتَابٌ طَلَاقٍ فَيُطْلَقَ. ⁵ فَأَجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ لَهُمْ: مِنْ أَجْلِ قَسَاوَةِ قُلُوبِكُمْ كَتَبَ لَكُمْ هَذِهِ الْوَصِيَّةَ. وَلَكِنْ مِنْ بَدْءِ الْخَلِيقَةِ ذَكَرًا وَأُنْثَى خَلَقَهُمَا اللَّهُ. ⁷ مِنْ أَجْلِ هَذَا يَتْرُكُ الرَّجُلُ أَبَاهُ وَأُمَّهُ وَيَلْتَصِقُ بِامْرَأَتِهِ، وَيَكُونُ الْإِثْنَانِ جَسَدًا وَاحِدًا، إِذَا لَبَسَا بَعْدَ اتِّحَادٍ بِلَ جَسَدٍ وَاحِدٍ. ⁹ قَالِذِي جَمَعَهُ اللَّهُ لَا يُفَرِّقُهُ إِنْسَانٌ. ¹⁰ ثُمَّ فِي الْيَوْمِ سَأَلَهُ تَلَامِيذُهُ أَيْضًا عَنْ ذَلِكَ. ¹¹ فَقَالَ لَهُمْ: مَنْ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ وَتَرَوَّجَ بِأُخْرَى بَرْنِي عَلَيْهَا، ¹² وَإِنْ طَلَّقَ امْرَأَةً رُوجَهَا وَتَرَوَّجَتْ بِأُخْرَى تَرْنِي.

یسوع ُبارک الأولاد

¹³ وَقَدَّمُوا إِلَيْهِ أَوْلَادًا لِكَيْ يَلْمِسَهُمْ، وَأَمَّا التَّلَامِيذُ فَانْتَهَرُوا الَّذِينَ قَدَّمُوهُمْ. ¹⁴ فَلَمَّا رَأَى يَسُوعُ ذَلِكَ اعْتَاطَ وَقَالَ لَهُمْ: دَعُوا الْأَوْلَادَ يَأْتُوا إِلَيَّ وَلَا تَمْنَعُوهُمْ لِأَنَّ لِمِثْلِ هَؤُلَاءِ مَلَكُوتَ اللَّهِ. ¹⁵ الْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: مَنْ لَا يَقْبَلُ مَلَكُوتَ اللَّهِ مِثْلَ وَلَدٍ فَلَنْ يَدْخُلَهُ. ¹⁶ فَاحْتَضَنَهُمْ وَوَضَعَ يَدَيْهِ عَلَيْهِمْ وَتَارَكَهُمْ.

عائق الغنى

¹⁷ وَفِيمَا هُوَ خَارِجٌ إِلَى الطَّرِيقِ رَكَضَ وَاحِدٌ وَجَّأَ لَهُ وَسَأَلَهُ: أَيُّهَا الْمُعَلِّمُ الصَّالِحُ، مَاذَا أَعْمَلُ لِأَرِثَ الْحَيَاةَ الْآبَدِيَّةَ؟ ¹⁸ فَقَالَ لَهُ يَسُوعُ: لِمَاذَا تَدْعُونِي صَالِحًا؟ لَيْسَ أَحَدٌ صَالِحًا إِلَّا وَاحِدٌ، وَهُوَ اللَّهُ. ¹⁹ أَنْتَ تَعْرِفُ الْوَصَايَا: "لَا تَزْنِ، لَا تَقْتُلْ، لَا تَسْرِقْ، لَا تَشْهَدْ بِالزُّورِ، لَا تَسْلُبْ، أَكْرَمُ أَبَاكَ وَأُمَّاكَ". ²⁰ فَأَجَابَ وَقَالَ لَهُ: يَا مُعَلِّمُ، هَذِهِ كُلُّهَا حَفِظْتُهَا مِنْذُ حَدَاتِي. ²¹ فَتَطَرَّ إِلَيْهِ يَسُوعُ وَاجَبَّهُ وَقَالَ لَهُ: يُعْزِرُكَ سَيِّئٌ وَاحِدٌ، إِذْهَبْ، بِعْ كُلَّ مَا لَكَ وَأَعْطِ الْفُقَرَاءَ، فَيَكُونَ لَكَ كَنْزٌ فِي السَّمَاءِ، وَتَعَالَ ابْتِغِي حَامِلًا الصَّلِيبَ. ²² فَأَعْتَمَّ عَلَى الْقَوْلِ وَمَضَى حَزِينًا لِأَنَّهُ كَانَ ذَا أَمْوَالٍ كَثِيرَةٍ.

²³ فَتَطَرَّ يَسُوعُ حَوْلَهُ وَقَالَ لِتَلَامِيذِهِ: مَا أَعْسَرَ دُخُولَ ذَوِي الْأَمْوَالِ إِلَى مَلَكُوتِ اللَّهِ. ²⁴ فَتَحَبَّرَ التَّلَامِيذُ مِنْ كَلَامِهِ. فَأَجَابَ يَسُوعُ أَيْضًا وَقَالَ لَهُمْ: يَا بَنِيَّ، مَا أَعْسَرَ دُخُولَ الْمُتَكَلِّينَ عَلَى الْأَمْوَالِ إِلَى مَلَكُوتِ اللَّهِ. ²⁵ مَرُورٌ جَمَلٍ مِنْ تَقَبُّبِ إِبْرَةِ أَيْسَرٍ مِنْ أَنْ يَدْخُلَ عَيْنِي إِلَى

مَلَكُوتِ اللَّهِ.²⁶ قُبْهُتُوا إِلَى الْعَايَةِ قَائِلِينَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: فَمَنْ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَخْلَصَ؟²⁷ فَتَنَظَرُ إِلَيْهِمْ يَسُوعُ وَقَالَ: عِنْدَ النَّاسِ عَيْبٌ مُسْتَطَاعٌ، وَلَكِنْ لَيْسَ عِنْدَ اللَّهِ، لِأَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مُسْتَطَاعٌ عِنْدَ اللَّهِ.

جزاء اتباع يسوع

²⁸ وَابْتَدَأَ بُطْرُسُ يَقُولُ لَهُ: هَا نَحْنُ قَدْ تَرَكْنَا كُلَّ شَيْءٍ وَابْتَعْنَاكَ.²⁹ فَأَجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ: الْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: لَيْسَ أَحَدٌ تَرَكَ بَيْتًا أَوْ إِخْوَةً أَوْ أَحْوَابٍ أَوْ أَبًا أَوْ أُمًّا أَوْ إِمْرَأَةً أَوْ أَوْلَادًا أَوْ حُفُولًا لِأَجْلِي وَلَا جَلِيلَ الْإِنْجِيلِ³⁰ إِلَّا وَتَأْخُذُ مِثَّةً ضَعْفٍ الْآنَ فِي هَذَا الزَّمَانِ، بِيُونَا وَإِخْوَةً وَأَحْوَابٍ وَأُمَّهَاتٍ وَأَوْلَادًا وَحُفُولًا مَعَ اضْطِهَادَاتٍ، وَفِي الدَّهْرِ الْآتِيَةِ الْحَيَاةِ الْآبَدِيَّةِ.³¹ وَلَكِنْ كَثِيرُونَ أَوْلُونَ آخِرِينَ وَالْآخِرُونَ أَوَّلِينَ.

يسوع يُنبئ بموته وقيامته مرّة ثالثة

³² وَكَانُوا فِي الطَّرِيقِ صَاعِدِينَ إِلَى أُورُشَلِيمَ وَتَبَقَّوهُمْ يَسُوعُ، وَكَانُوا يَتَحَيَّرُونَ وَفِيمَا هُمْ يَتَعَوَّنَ كَانُوا يَخَافُونَ. فَأَخَذَ الْإِثْنِي عَشَرَ أَيْضًا وَابْتَدَأَ يَقُولُ لَهُمْ عَمَّا سَيَحْدُثُ لَهُ:³³ هَا نَحْنُ صَاعِدُونَ إِلَى أُورُشَلِيمَ وَابْنُ الْإِنْسَانِ يُسَلَّمُ إِلَى رُؤَسَاءِ الْكَهَنَةِ وَالْكَتَبَةِ، فَيَحْكُمُونَ عَلَيْهِ بِالْمَوْتِ وَيُسَلِّمُونَهُ إِلَى الْأَمَمِ،³⁴ فَتَهْرَأُونَ بِهِ وَيَجْلِدُونَهُ وَيَقْتُلُونَهُ عَلَيْهِ وَيَقْبَلُونَهُ، وَفِي الْيَوْمِ الثَّلَاثِ يَقُومُ.

سرّ الخادم العظيم

³⁵ وَتَقَدَّمَ إِلَيْهِ يَعْقُوبُ وَيُوحَنَّا، ابْنَا زَبْدِي، قَائِلِينَ: يَا مُعَلِّمُ، نُرِيدُ أَنْ تَفْعَلَ لَنَا كُلَّ مَا نَطْلُبُ.³⁶ فَقَالَ لَهُمَا: مَاذَا تُرِيدَانِ أَنْ أَفْعَلَ لَكُمْ؟ فَقَالَا لَهُ: أَعْطِنَا أَنْ نَجْلِسَ وَاحِدٌ عَنْ يَمِينِكَ وَالْآخَرُ عَنْ بَسَارِكَ فِي مَجْدِكَ.³⁸ فَقَالَ لَهُمَا يَسُوعُ: لَيْسَ مَا تَطْلُبَانِ مَا تَطْلُبَانِ. أَتَسْتَطِيعَانِ أَنْ تَتَشَرَّبَا الْكَاسَ الَّتِي أَشْرَبْتُهَا آتَا وَأَنْ تَضْطَبِعَا بِالصَّبْغَةِ الَّتِي أَضْطَبِعُ بِهَا آتَا؟³⁹ فَقَالَا لَهُ: نَسْتَطِيعُ. فَقَالَ لَهُمَا يَسُوعُ: أَمَّا الْكَاسُ الَّتِي أَشْرَبْتُهَا آتَا فَتَشْرَبَانِهَا وَبِالصَّبْغَةِ الَّتِي أَضْطَبِعُ بِهَا آتَا تَضْطَبِعَانِ.⁴⁰ وَأَمَّا الْجُلُوسُ عَنْ يَمِينِي وَعَنْ بَسَارِي فَلَيْسَ لِي أَنْ أُعْطِيَهُ إِلَّا لِلَّذِينَ أَعَدَّ لَهُمْ.⁴¹ وَلَمَّا سَمِعَ الْعَشْرَةُ ابْتَدَأُوا يَغْتَاطُونَ مِنْ أَجْلِ يَعْقُوبَ وَيُوحَنَّا.⁴² فَدَعَاهُمُ يَسُوعُ وَقَالَ لَهُمْ: أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنَّ الَّذِينَ يُخَسِبُونَ رُؤَسَاءَ الْأَمَمِ يَسُودُونَهُمْ وَأَنْ عُظَمَاءَهُمْ يَتَسَلَّطُونَ عَلَيْهِمْ.⁴³ فَلَا يَكُونُ هَكَذَا فِيكُمْ. بَلْ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَصِيرَ فِيكُمْ عَظِيمًا يَكُونُ لَكُمْ خَادِمًا،⁴⁴ وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَصِيرَ فِيكُمْ أَوَّلًا يَكُونُ لِلْجَمِيعِ عَبْدًا.⁴⁵ لِأَنَّ ابْنَ الْإِنْسَانِ

ناقص است، برو و آنچه داری بفروش و به فقرا بده که در آسمان گنجی خواهی یافت و بیا صلیب را برداشته، مرا پیروی کن.²² لیکن او از این سخن تَرَش رو و محزون گشته، روانه گردید زیرا اموال بسیار داشت.

²³ آنگاه عیسی گرداگرد خود نگریسته، به شاگردان خود گفت: چه دشوار است که توانگران داخل ملکوت خدا شوند.²⁴ چون شاگردانش از سخنان او در حیرت افتادند، عیسی باز توجّه نموده، بدیشان گفت: ای فرزندان، چه دشوار است دخول آنانی که به مال و اموال توکل دارند در ملکوت خدا! ²⁵ سهل تر است که شتر به سوراخ سوزن درآید از اینکه شخص دولتمند به ملکوت خدا داخل شود! ²⁶ ایشان بغایت متحیر گشته، با یکدیگر می گفتند: پس که می تواند نجات یابد؟ ²⁷ عیسی به ایشان نظر کرده، گفت: نزد انسان محال است لیکن نزد خدا نیست زیرا که همه چیز نزد خدا ممکن است.

²⁸ پطرس بدو گفتن گرفت که: اینک، ما همه چیز را ترک کرده، تو را پیروی کرده ایم.²⁹ عیسی جواب فرمود: هر آینه به شما می گویم، کسی نیست که خانه یا برادران یا خواهران یا پدر یا مادر یا زن یا اولاد یا املاک را بجهت من و انجیل ترک کند، ³⁰ جز اینکه الحال در این زمان صد چندان یابد از خانه ها و برادران و خواهران و مادران و فرزندان و املاک با زحمات، و در عالم آینده حیات جاودانی را.³¹ اما بسا اوّلین که آخرین می گردند و آخرین اوّلین.

سومین پیشگویی درباره مرگ و قیام عیسی

³² و چون در راه به سوی اورشلیم می رفتند و عیسی در جلو ایشان می خرامید، در حیرت افتادند و چون از عقب او می رفتند، ترس بر ایشان مستولی شد. آنگاه آن دوازده را باز به کنار کشیده، شروع کرد به اطلاع دادن به ایشان از آنچه بر وی وارد می شد: ³³ که، اینک، به اورشلیم می رویم و پسر انسان به دست رؤسای کهنه و کاتبان تسلیم شود و بر وی فتوای قتل دهند و او را به امت ها سپارند، ³⁴ و بر وی سخریه نموده، تازیانه اش زنند و آب دهان بر وی افکنده، او را خواهند کشت و روز سوم خواهد برخاست.

درخواست یعقوب و یوحنا

³⁵ آنگاه یعقوب و یوحنا دو، پسر زبدي، نزد وی آمده،

أَيْضاً لَمْ يَأْتِ لِيُخْدَمَ بَلْ لِيُخْدَمَ وَلِيَبْدِلَ نَفْسَهُ فِدْيَةً عَنْ كَثِيرِينَ.

يسوع يشفي الأعمى في أريحا

⁴⁶ وَجَاءُوا إِلَى أَرِيحَا. وَفِيمَا هُوَ خَارِجٌ مِنْ أَرِيحَا مَعَ تَلَامِيذِهِ وَجَمْعٍ غَيْرِ كَانِ بَارْتِيمَاوُسُ الْأَعْمَى، ابْنُ تِيمَاوُسَ، جَالِساً عَلَى الطَّرِيقِ يَسْتَعْطِي. ⁴⁷ فَلَمَّا سَمِعَ أَنَّهُ يَسُوعُ النَّاصِرِيُّ ابْتَدَأَ يَصْرُخُ وَيَقُولُ: يَا يَسُوعُ، ابْنُ دَاوُدَ، ارْحَمْنِي. ⁴⁸ فَاتَّهَرَهُ كَثِيرُونَ لِيَسْكُتَ، فَصَرَخَ أَكْثَرَ كَثِيراً: يَا ابْنَ دَاوُدَ، ارْحَمْنِي. ⁴⁹ فَوَقَفَ يَسُوعُ وَأَمَرَ أَنْ يُبَادَى، فَتَادُوا الْأَعْمَى قَائِلِينَ لَهُ: ثِقْ، فَمَ، هُوَذَا يُتَادِيكَ. ⁵⁰ فَطَرَحَ رِدَاءَهُ وَقَامَ وَجَاءَ إِلَى يَسُوعَ. ⁵¹ فَأَجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ لَهُ: مَاذَا تُرِيدُ أَنْ أَفْعَلَ بِكَ؟ فَقَالَ لَهُ الْأَعْمَى: يَا سَيِّدِي، أَنْ أُبْصِرَ. ⁵² فَقَالَ لَهُ يَسُوعُ: اذْهَبْ، إِيمَانُكَ قَدْ شَفَاكَ. فَلِلْوَقْتِ أَبْصَرَ وَتَبَعَ يَسُوعَ فِي الطَّرِيقِ.

گفتند: ای استاد، می‌خواهیم آنچه از تو سؤال کنیم برای ما بکنی. ³⁶ ایشان را گفت: چه می‌خواهید برای شما بکنم؟ ³⁷ گفتند: به ما عطا فرما که یکی به طرف راست و دیگری بر چپ تو در جلال تو بنشینیم. ³⁸ عیسی ایشان را گفت: نمی‌فهمید آنچه می‌خواهید. آیا می‌توانید آن پیالهای را که من می‌نوشم، بنوشید و تعمید را که من می‌پذیرم، بپذیرید؟ ³⁹ وی را گفتند: می‌توانیم. عیسی بدیشان گفت: پیالهای را که من می‌نوشم خواهید آشامید و تعمیدی را که من می‌پذیرم خواهید پذیرفت. ⁴⁰ لیکن نشستن به دست راست و چپ من از آن من نیست که بدهم جز آنانی را که از بهر ایشان مهیا شده است. ⁴¹ و آن ده نفر چون شنیدند بر یعقوب و یوحنا خشم گرفتند. ⁴² عیسی ایشان را خوانده، به ایشان گفت: می‌دانید آنانی که حکام امت‌ها شمرده می‌شوند بر ایشان ریاست می‌کنند و بزرگان‌شان بر ایشان مسلطند. ⁴³ لیکن در میان شما چنین نخواهد بود، بلکه هر که خواهد در میان شما بزرگ شود، خادم شما باشد. ⁴⁴ و هر که خواهد مقدم بر شما شود، غلام همه باشد. ⁴⁵ زیرا که پسر انسان نیز نیامده تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و تا جان خود را فدای بسیاری کند.

عیسی شفا می‌کند بارتیمائوس کور را

⁴⁶ و وارد آریحا شدند. و وقتی که او با شاگردان خود و جمعی کثیر از آریحا بیرون می‌رفت، بارتیمائوس کور، پسر تیمائوس بر کناره راه نشسته، گدایی می‌کرد. ⁴⁷ چون شنید که عیسی ناصری است، فریاد کردن گرفت و گفت: ای عیسی، پسر داود، بر من ترجم کن. ⁴⁸ و چندان که بسیاری او را نهیب می‌دادند که خاموش شود، زیاده‌تر فریاد برمی‌آورد که: پسر داود، بر من ترجم فرما. ⁴⁹ پس عیسی ایستاده، فرمود تا او را بخوانند. آنگاه آن کور را خوانده، بدو گفتند: خاطر جمع دار، برخیز که تو را می‌خواند. ⁵⁰ در ساعت ردای خود را دور انداخته، بر پا جست و نزد عیسی آمد. ⁵¹ عیسی به وی التفات نموده، گفت: چه می‌خواهی از بهر تو نمایم؟ کور بدو گفت: یا سیدی، آنکه بینایی یابم. ⁵² عیسی بدو گفت: برو که، ایمانت تو را شفا داده است! در ساعت بینا گشته، از عقب عیسی در راه روانه شد.